



ژپتو عروسک زیبایی را خلق کرده است اما پس از آن متوجه می‌شود که به کمک “خدای بزرگتر” نیاز دارد تا به پینوکیو روحی الهی اعطا نماید که برای تبدیل شدن به یک “پسر واقعی” یا به بیان رمزی یک انسان روشن‌ضمیر به آن نیاز است. پس، او چه کار می‌کند؟ وی “رو به ستاره‌ای در وسط آسمان زانو زده و دعا می‌کند.” ژپتو از خدای بزرگتر (بنیانگذار کبیر فراماسون‌ها) می‌خواهد تا روحی الهی در وجود پینوکیو بدمد.

کارتون قدیمی پینوکیو که شرکت فیلمسازی والت دیزنی آن را در سال ۱۹۴۰ منتشر ساخت، هنوز مورد توجه کودکان و بزرگسالان اقصی نقاط جهان قرار می‌گیرد. اما، داستان این عروسک چوبی مبتنی بر یک تمثیل عمیق معنوی و برپایه آموزه‌های سری است که به ندرت درباره آنها سخن به میان می‌آید. در این گزارش، ما به منشا و ریشه شکل‌گیری این داستان انیمیشنی و نیز لایه‌های پنهان آن نگاه اجمالی خواهیم انداخت.



کارتون پینوکیو یکی از پیچیده‌ترین فیلم‌هایی است که برای کودکان ساخته شده است. آیا این کارتون می‌تواند داستان نمادین مبالغه‌آمیزی از معنویت و جامعه مدرن باشد؟ آیا در این فیلم نشانه‌هایی از عضویت در آیین‌های مرموز و اسرارآمیز وجود دارد؟

البته نیازی به گفتن نیست، این فیلم در حال حاضر محصول پرکاربردی در فرهنگ عمومی جامعه امروز است. تا به حال چند نفر این کارتون را ندیده‌اند؟ از سوی دیگر، چند نفر از مفاهیم پنهان کارتون پینوکیو اطلاع دارند؟ در پشت پرده ماجرای این عروسک خیمه شب بازی که تلاش دارد تا تا پسر خوبی باشد، یک تمثیل عمیق معنوی نهفته است که ریشه در مکاتب سری علوم خفیه دارد.

از زاویه نگاه یک مبتدی، داستان کودکانه پینوکیو که درباره “خوب بودن” است و نکات قابل تأملی درباره “دروغ نگفتن” دارد، در نهایت به اثری کلاسیک برای بزرگسالان در راستای تلاش برای رسیدن به خردمندی و روشنگری معنوی تبدیل می‌شود. فضای بی‌رحم داستان پینوکیو تصویر هولناکی از دنیای مدرن ما را نمایش داده و شاید قصد دارد تا راه فرار از دام‌های این دنیای مدرن را به ما نشان دهد. با توجه به سابقه حرفه‌ای نویسندگان داستان و مراجعه به منابع کتب ادبی می‌توان به مفاهیم اسرارآمیز پنهان در کارتون پینوکیو پی برد.

خاستگاه شکل‌گیری داستان پینوکیو



کارلو لورنزینی نویسنده داستان پینوکیو، از اعضای فعال فراماسونری بود

داستان پینوکیو اولین بار توسط فردی به نام “کارلو لورنزینی” (ملقب به کارلو کولودی) بین سالهای ۱۸۸۱ و ۱۸۸۳ در ایتالیا به رشته تحریر در آمد. لورنزینی این حرفه را از مقاله‌نویسی در روزنامه‌ها آغاز کرد و در اغلب موارد برای بیان دیدگاه‌های سیاسی خود از روش طنزنویسی بهره

می‌جست. لورنزینی در سال ۱۸۷۵ وارد دنیای ادبیات کودکان شد و از این طریق تلاش کرد تا عقاید سیاسی خود را به مخاطب انتقال دهد. برای مثال؛ سری داستان‌های Giannettino که عمدتاً به وحدت ایتالیا اشاره داشت.

لورنزینی در واقع بسیار علاقمند بود تا از یک کاراکتر دوست داشتنی و مهربان و در عین حال متقلب با هدف بیان عقاید خود از طریق ادبیات تمثیلی بهره‌گرید. وی در سال ۱۸۸۰ نگارش داستان Storia di un burattino (ماجراهای پینوکیو شهرت یافت. این داستان هر هفته در روزنامه Il Giornale dei Bambini (روزنامه ایتالیایی ویژه کودکان) به چاپ می‌رسید.

ماجراهای پینوکیو، یک قصه خیالی است که ماجراهای یک عروسک چوبی خودرای و لجباز را در مسیر تبدیل شدن به یک پسر واقعی شرح می‌دهد. این داستان در سال ۱۸۸۳ به چاپ رسید.



آثار لورنزینی صرفاً سیاسی نبودند. دست‌نوشته‌های او، بویژه ماجراهای پینوکیو زوایای پنهان متافیزیکی و ماورای طبیعی بسیاری را در خود

داشتند که اغلب از دید خوانندگان امروزی پنهان می‌مانند. یکی از حقایق مهم برای درک کامل لایه‌های عمیق اثر لورنزینی اینست که وی یکی از اعضای فعال فراماسونری بود.

در مقاله‌ای با عنوان پینوکیو، برادر من، “جیووانی مالولتی (Giovanni Malevolti) از فراماسونرهای ایتالیا سابقه ماسونی کارلو لورنزینی را چنین توصیف می‌کند:

“ورود کارلو به مکتب فراماسونری، با اینکه در هیچ سند رسمی ثبت نشده، اما از سوی همگان پذیرفته شده و قابل استناد است.

“آلدو مولا (Aldo Mola)”， یک فرد غیرماسونی که معمولاً از وی به عنوان تاریخ‌نگار رسمی مکتب فراماسونری یاد می‌کنند، با اطمینان ورود لورنزینی به فرقه فراماسونری را تایید کرده است.

به نظر می‌رسد حوادثی در زندگی او رخ داده است که این نظریه را به سادگی تایید می‌کند: تاسیس روزنامه‌ای تحت عنوان Il Lampione موسوم به فانوس دریایی) در سال ۱۸۴۸ که لورنزینی در باب آن چنین اظهار داشت: “روشنی‌بخش کسانی است که در تاریکی سرگردان هستند.” لورنزینی همچنین خود را شاگرد متعصب ماتزینی (از انقلابیون و فراماسونرهای برجسته ایتالیا) معرفی می‌کرد.”



لورنزینی داستان پینوکیو را با الگوبرداری از عقاید قدیمی و کهن متون سری و رمزگونه به رشته تحریر درآورد

نام کلودی را می‌توان در سندی یافت که مرکز بزرگ فراماسونرهای
بریتانیا آن را به چاپ رسانده و در آن لیستی از فراماسونرهای معروف
گردآوری شده است.

مالولتی چنین ادامه می‌دهد:

برای مطالعه داستان “ماجراهای پینوکیو” دو روش وجود دارد. اولین روش
همان است که من آن را “غیرمذهبی و عوامانه” توصیف می‌کنم زیرا که
خواننده، به احتمال زیاد یک کودک است، درباره اتفاقات ناگواری که برای

این عروسک چوبی رخ می‌دهد، مطالبی را یاد می‌گیرد. روش دوم، مطالعه این داستان از نگاه ماسونی نویسنده آن است که نمادگرایی درون آن، بدون هیچ‌گونه جایگزینی، مکمل روایت ساده و خطی حوادث است.

لورنزینی داستان پینوکیو را با الگوبرداری از عقاید قدیمی و کهن در متون سری و رمزگونه به رشته تحریر درآورد: روایت ساده‌ای از یک داستان که مورد توجه عامه قرار می‌گیرد و مفاهیم پنهان خود را تنها برای “کسانی که در جریان هستند” فاش می‌کند.

تحلیل فیلم

تفاوت‌های بسیاری بین کتاب کلودی و فیلم والت دیزنی وجود دارد. د فیلم والت دیزنی، طرح داستان ساده‌تر شده و پینوکیو به شخصیتی ساده، خوش‌گذران و بی‌خیال تبدیل شده است تا کاراکتری خودرای و ناسپاس در کتاب اصلی. با این وجود، همه عناصر اصلی داستان در این فیلم به عاریت گرفته شده حال آنکه پیام مخفی داستان هنوز دست نخورده باقی مانده است.



«لت دیزنی در «انیمیشن پینوکیو را ساخت
تا یکی از مهم ترین آموزه های ماسونی برای کودکان
به راحتی در دسترس آنها قرار گیرد

« «شخصیت داستان

فیلم با پدر “ژپتو (Geppetto) ”، یک چوب تراش ایتالیایی، آغاز می شود
که در حال ساخت یک عروسک خیمه شب بازی از یک تکه چوب است. او
این عروسک را به شکل یک انسان می سازد اما عروسک موجودی بی جان
است.



ژپتو، همان نماد “ (Demiurge) ” فلسفه افلاطون و عارفان مسیحی است .

ژپتو، از جهت دیگر، همان نماد “خالق (Demiurge)” فلسفه افلاطون و عارفان مسیحی است. واژه “خالق” به صورت تحت‌اللفظی در زبان یونانی “خالق، صنعت‌گر یا استادکار” ترجمه می‌شود. در زبان فلسفه، خالق یا سازنده “خدای کوچکتر” جهان مادی است، خالق که موجودات ناقص را خلق می‌کند که در دام زرق و برق زندگی مادی گرفتار می‌شوند. خانه ژپتو مملو از ساعت‌هایی است که ساخته دست اوست و همانطور که احتمالاً می‌دانید از این ساعت‌ها برای سنجش زمان استفاده می‌شود، یعنی یکی از محدودیت‌های بزرگ این سیاره خاکی.



پدر ژپتو عروسک زیبایی را «[[[]]]» کرده است

ژپتو عروسک زیبایی را خلق کرده است اما پس از آن متوجه می‌شود که به کمک “خدای بزرگتر” نیاز دارد تا به پینوکیو روحی الهی اعطا نماید که برای تبدیل شدن به یک “پسر واقعی” یا به بیان رمزی یک انسان روشن‌ضمیر به آن نیاز است. پس، او چه کار می‌کند؟ وی “رو به ستاره‌ای در وسط آسمان زانو زده و دعا می‌کند.” ژپتو از خدای بزرگتر (بنیانگذار کبیر فراماسون‌ها) می‌خواهد تا روحی الهی در وجود پینوکیو بدمد.



**□□□□ □□ □□ «تک چشم» زانو می زند
و برای عروسک چوبی خود حلول روح را درخواست می کند**

آیا این ستاره می تواند همان ستاره صورت فلکی شعرای یمانی یا ستاره درخشان فراماسونری باشد؟

“پری آبی رنگ” ، نماینده خدای بزرگ، سپس به زمین فرود می آید تا به پینوکیو فهم این جهانی، یا به تعبیر عرفا “عقل” را اعطا نماید.



**“پری آبی رنگ” ، نماینده خدای بزرگ، به زمین فرود می آید
تا به پینوکیو فهم این جهانی یا “□□□□” را اعطا نماید.**

پری نعمت زندگی و اختیار را به پینوکیو هدیه داد. اگرچه او زنده است اما هنوز یک “پسر واقعی” نیست. مکاتب سری می آموزند که زندگی واقعی تنها پس از روشنگری آغاز می شود. هر چیزی غیر از آن چیزی جز زوال تدریجی نیست.

زمانیکه پینوکیو می پرسد: “آیا من یک پسر بچه واقعی هستم؟” پری پاسخ می دهد: “نه پینوکیو. تحقق آرزوی ژپتو کاملاً به تو بستگی دارد. شجاعت، راستگویی و تواضع خودت را ثابت کن، در این صورت مطمئناً روزی یک پسر واقعی خواهی شد.”

موضوع اتکاء به نفس قویاً از آموزه‌های عارفان مسیحی/فراماسونری الهام می‌گیرد: رستگاری روح مسئله‌ای است که از طریق خویش‌تنداری و خودشناسی معنا پیدا می‌کند. فراماسونرها این فرآیند را با ادبیات تمثیلی سنگ زبر و تکامل سنگ صیقل داده شده نمادسازی می‌کنند.

“در تفکرات فراماسونری، سنگ زبر و ناهموار استعاره از اولویت یک فراماسون ناآگاه برای روشنگری است. یک سنگ صیقلی نیز نماد یک فراماسون است که از طریق آموزه‌های فراماسونری در راستای تحقق یک زندگی شرافتمندانه گام بر می‌دارد و با پشتکار فراوان سعی می‌کند به روشنگری دست یابد. درسی که باید آموخت اینست که با استفاده از ابزارهای آموزشی و فراگیری علم و دانش، انسان می‌تواند شخصیت معنوی و اخلاقی خود را بهبود بخشد. همانند انسان، هر سنگ زبر و ناهموار در ابتدا موجودی ناقص است. انسان با آموزش، تربیت و عشق برادرانه می‌تواند سنگ وجودی خود را به گونه‌ای بسازد که مورد آزمون قرار گرفته و در حدود مرزهای خود شکل گرفته باشد.”

به همان روشی که فراماسونرها فرآیند روشنگری را با تبدیل یک سنگ زبر و ناهموار به صاف نشان می‌دهند، پینوکیو نیز سفر خود را با تکه ناهمواری از چوپ آغاز می‌کند و به دنبال آنست تا سطوح خود را هموار ساخته و در نهایت به یک پسر واقعی تبدیل شود. چنین اتفاقی باید حادث گردد تا او لایق روشنگری شود و او به یک فرآیند کیمیاگری درونی نیاز است. وی باید زندگی کند، با وسوسه‌های خود مبارزه نماید و با استفاده از وجدان خود، باید راه صحیح را پیدا کند. اولین گام رفتن به مدرسه (نماد علم و دانش) است. پس از آن، وسوسه‌های زندگی بلافاصله مسیر پینوکیو را تغییر می‌دهند.

وسوسه شهرت و ثروت

روباه مکار (نماد افراد دروغگو) و گربه پینوکیو را در مسیر رفتن به مدرسه فریب می‌دهند تا “برای کسب موفقیت راه آسان را در پیش بگیرد”: حرفه هنرپیشگی. علیرغم هشدارهای وجدانش، عروسک چوبی از شخصیت‌های مرموز و ناشناس پیروی کرده و به

“استرومبولی (Stromboli)”， یک عروسک گردان خشن و پر خاشاک
فروخته می شود.



روباہ مکار (پینوکیو) و گربه
پینوکیو را در مسیر رفتن به مدرسه فریب می دهند



پینوکیو به یک عروسک‌گردان خشن و پر خاشگر فروخته می‌شود

پینوکیو در حین نمایش با جنبه‌های مثبت “راه آسان” نیز آشنا می‌شود: شهرت، ثروت.

اما پینوکیو خیلی زود متوجه می‌شود که این موفقیت ظاهری هزینه‌های گزافی را به دنبال دارد: اینکه وی نمی‌تواند برای دیدن پدر ژیتو (همان خالق خود) به خانه بازگردد، پولی که او بدست می‌آورد صرفاً برای ثروتمند شدن استرومبولی، عروسک‌گردان نمایش‌ها، است و با گذشت زمان هرچه سن او بالاتر می‌رود، بهتر می‌فهمد چه سرنوشتی در انتظار اوست.



تصویری نسبتاً تاریک و وحشت‌انگیز از هنرپیشگی ظاهر می‌شود. وی در می‌یابد که اساساً چیزی بیش از یک عروسک خیمه شب بازی نبوده است. پس از درک ماهیت واقعی “راه آسان”، پینوکیو متوجه می‌شود که دچار افسردگی شده است. او به لطف عروسک‌گردان ظالم خود مانند حیوانی در قفس نگهداری می‌شود. در واقع او با فروش روح خود فریب خورده بود.



او به لطف عروسک‌گردان ظالم خود مانند حیوانی در قفس نگهداری می‌شود.
در واقع او با فروش روح خود فریب خورده بود.

پس از آن پینوکیو دوباره به وجدان و ضمیر آگاه خود باز می‌گردد و تلاش می‌کند تا از آنجا فرار کند. اما همه افراد با وجدان خوب در جهان هم نمی‌توانند او را نجات دهند و نمی‌توانند این قفل را باز کنند. برای نجات او باز هم به دخالت نیروی الهی نیاز است اما به شرط آنکه قبل از آن به پری (فرستاده الهی) و البته مهم‌تر از آن، به خودش حقیقت را بگوید.



وسوسه‌های لذت‌های دنیوی

پس از بازگشت به راه صواب، پینوکیو یکبار دیگر توسط روباه مکار فریب می‌خورد تا به “جزیره خوشی” برود، مکانی بدون مدرسه (نماد علم و دانش) و قوانین (نماد اصول اخلاقی). کودکان می‌توانند تحت نظر مرد کالسکه‌چی بخورند، بنوشند، سیگار بکشند، با هم گلاویز شده و با اراده خویش همه چیز را تخریب کنند.



جزیره خوشی استعاره از “زندگی دنیوی” است که جهل و نادانی، تلاش برای بهره بردن از لذت‌های زودگذر و ارضای پست‌ترین تمایلات نفسانی از ویژگی‌های آنست. مرد کالسکه‌چی با علم به اینکه این راهی کامل برای به بردگی کشاندن افراد است، آنها را مدام تشویق می‌کند. پسرانی که در این سبک زندگی به شکل احمقانه‌ای افراط می‌کنند، در نهایت به الاغ تبدیل شده و برای کار در معدن از سوی مرد کالسکه‌چی مورد استثمار قرار می‌گیرند. این نیز تصویر هولناک دیگری از توده مردم جاهل و نادان است.



پینوکیو نیز به تدریج به الاغ تبدیل می‌شود. به بیان رمزی، در واقع او به هویت مادی نزدیک‌تر می‌شود تا خود معنوی که این حیوان لجوج نماد و تجسم آن است.



پینوکیو نیز به تدریج به الاغ تبدیل می‌شود. به بیان رمزی، در واقع او به هویت مادی نزدیک‌تر می‌شود تا خود معنوی که این حیوان لجوج نماد و تجسم آن است

این بخش از داستان اشاره ادبی به اثر کلاسیک “اپولیوس (Apuleius)” نویسنده رومی تحت عنوان “مسخ‌شدگان” یا “الاغ طلایی” است که در مکاتب سری همچون فراماسونری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.



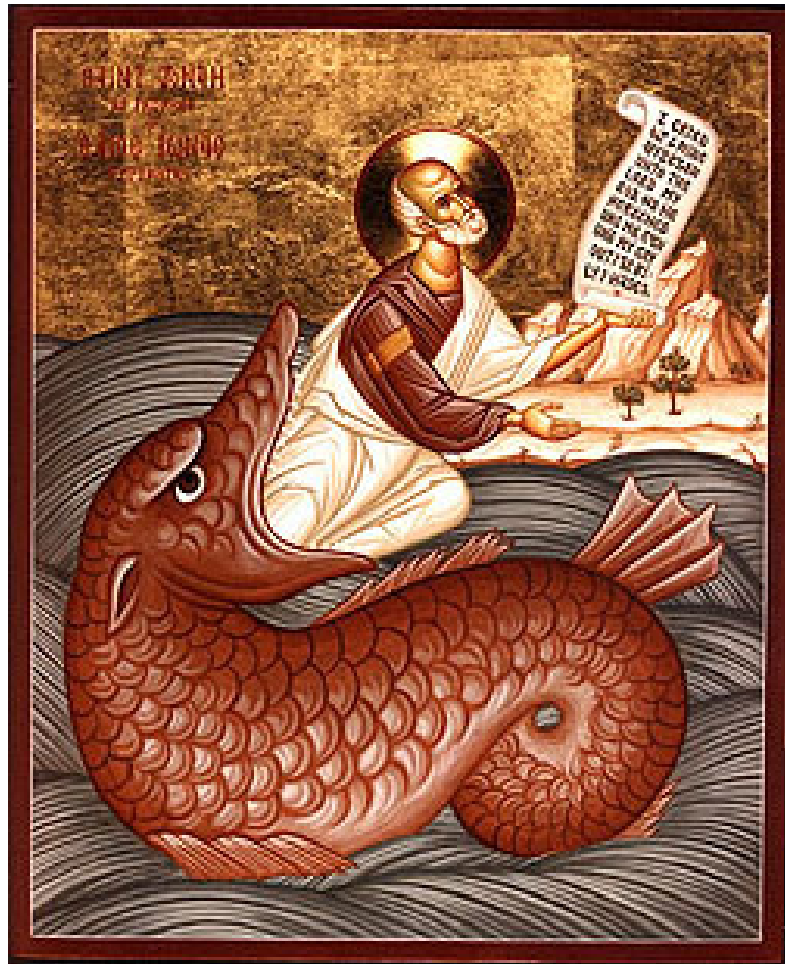
مسخ‌شدگان ماجرای “لوسیوس (Lucius)” را تشریح می‌نماید که به دلیل حماقت خویش با عجایب جادوگری فریب خورد و به الاغ تغییر هویت داد. این مسئله وی را به سفری طولانی و طاقت‌فرسا سوق داد که در نهایت نیز توسط “ایزیس (Isis)” نجات یافت و به فرقه سری او پیوست. ماجرای این مسخ‌شدگی به دلیل خط کلی داستان، تمثیل معنوی و شکل ورود به اسرار شباهت‌های فراوانی به ماجرای پینوکیو دارد. پینوکیو پس از آنکه به خود می‌آید، از قفس زندگی دنیوی و جزیره خوشی فرار می‌کند.

آغاز مسیر روشنگری

پینوکیو برای دیدار دوباره پدر خویش به خانه باز می‌گردد اما در خانه کسی نیست. وی می‌فهمد که ژیتو توسط نهنگی عظیم‌الجثه بلعیده شده است. پس از آن، عروسک چوبی خود را به آب می‌اندازد و برای پیدا کردن خالق خویش وارد شکم نهنگ می‌شود. این آخرین مرحله ورود او به مسیر روشنگری است که باید از تاریکی و ظلمت زندگی جاهلانه خویش (که نماد آن شکم نهنگ غول‌پیکر است) گریخته و نور معنوی را بدست آورد.



یکبار دیگر، کارلو کلودی به شدت تحت تاثیر داستان قدیمی سیر و سلوک
معنوی: کتاب یونس پیامبر قرار گرفت. جریان حضرت یونس و نهنگ در
مکاتب سری مطالعه می‌شوند.



یونس به فرمان خداوند از شکم نهنگ بیرون می‌آید

پینوکیو دشواری‌های مسیر ورود به روشننگری را پشت سر گذاشته و از تاریکی جهالت بیرون می‌آید. حال وی یک “پسر واقعی” است، انسانی روشن‌ضمیر که زنجیرهای زندگی مادی را پاره کرده و به خود والایش رسیده است. او یک نشان طلایی از پری دریافت می‌دارد که بیانگر موفقیت در طی کردن مسیر کیمیاگری تغییر هویت پینوکیو از فلزی سخت به طلا است. “هدف بزرگ” تحقق یافته است. پس چه کاری باقی مانده است؟ البته، یک جشن حسابی!



حال وی یک “پسر واقعی” است، انسانی روشن ضمیر که زنجیرهای زندگی مادی را پاره کرده و به خود والایش رسیده است .

نتیجه گیری

اگر از زوایه دید کودکانه خود فاصله گرفته و سپس به داستان پینوکیو بنگریم، داستان پینوکیو به جای یک سری ماجراهای تصادفی، به یک ادبیات تمثیلی معنوی عمیق و نمادین تبدیل می شود. جزئیات این فیلم که ظاهراً بی معنی و نامفهوم است ناگهان به حقیقتی اسرارآمیز و مرموز تبدیل شده یا حداقل جوامع بی رحم امروزی را نشان می دهند. کارلو کلودی، نویسنده داستان با الهام از داستان های قدیمی فراطبیعی نظیر مسخ شدگان و یونس و نهنگ تلاش کرد تا داستانی با موضوع ورود به مکتب را به سبک امروزی بنویسد که مهم ترین جنبه زندگی فراماسونری است.



داستانی با یک قرن قدمت

داستان پینوکیو نمونه‌ای از جنبه انسانی‌تر آموزه‌های سری است. این داستان بر پایه آموزه‌های فراماسونری استوار است و توجه عمیق به آن فاش می‌سازد که این آموزه‌ها پیشینه فلسفی افرادی است که کنترل رسانه‌های جمعی را در اختیار دارند.

هرچند وفاداری کارتون والت دیزنی به مکتب فراماسونری همواره مورد اختلاف بوده است اما انتخاب این داستان به عنوان دومین فیلم انیمیشنی که در این استودیو فیلمسازی ساخته شده است، مطالب بسیاری برای بازگو کردن دارد.

بسیاری از جزئیات نمادین که به این فیلم اضافه شده است بیانگر درک عمیق مفاهیم سری کتاب کلودی است. با توجه به تیراژ بالای نسخه قابل پخش فیلم پینوکیو و موفقیت جهانی آن می‌توان گفت که همه جهان شاهد طی کردن مسیر روشنگری بوده‌اند اما عده اندکی آن را به طور کامل درک کردند.

موضوع مهمی که در این داستان کمتر مورد توجه قرار گرفته، «خلق» یک انسان توسط انسان دیگر است؛ موضوعی که این روزها توسط جریانی مبهم و مرموز در ایران نیز تکرار می‌شود. طرح این موضوعات در برهه زمان کنونی در ایران را نمی‌توان تصادفی

یا از روی غفلت دانست و مشرق بزودی در ادامه گزارشات ویژه خود، این مساله را کاملاً موشکافی و ریشه یابی خواهد کرد.



این سه مقاله نه‌های صهیونیستی حدود یک قرن است
که «این سه مقاله» پینوکیو را زنده نگاه می‌دارند؟
مقاله ای از: